

مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری

حسن محسنی*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عباس میرشکاری

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و فرهنگ

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۳)

چکیده

پرسش اصلی در این نوشتار این است که آیا بابت تأخیر در پرداخت دیون ناشی از ضمان قهری می‌توان پرداخت زیان دیرکرد یا خسارت تأخیر تأدیه را خواستار شد؟ در پاسخ به این پرسش، برخی بر این باورند که زیان دیرکرد به این دیون نیز تعلق می‌گیرد. در توجیه این باور می‌توان به اطلاق واژه دین در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. و نیز لزوم حمایت از زیان‌دیده که اینک در مقام طلبکار خواهان دریافت طلب خویش است، استناد کرد. گروهی دیگر مطالبه این زیان را ناروا می‌دانند. در تأیید این دیدگاه نیز به ظاهر ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. و مبنای آن استناد می‌شود. در میانه این دو دیدگاه می‌توان عامل دیگری را به تحلیل افزود و آن، پرداخت خسارت از تاریخ صدور حکم قطعی دادگاهی است که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را احراز کرده است. در این مقاله با تأکید بر یک رای، به تحلیل این سه دیدگاه پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

حکم دادگاه، خسارت تأخیر تأدیه، دین، مسئولیت مدنی، نظر کارشناس.

۱. مقدمه

بر اساس ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند». اینک پرسش این است که آیا دیون ناشی از ضمان قهری نیز مشمول ماده پیش گفته می‌شوند یا خیر؟ برای نمونه، اگر الف به ب در سال ۱۳۸۷ زیانی برساند و در سال ۱۳۹۲، ب زیان وارده به الف را جبران کند، آیا الف حق دریافت زیان دیرکرد یا خسارت تأخیر تأدیه را دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، مبدأ محاسبه این زیان چه زمانی است، زمان ورود خسارت، تشخیص و ارزیابی خسارت، قطعیت برآورد خسارت، حکم به خسارت یا قطعیت حکم به خسارت؟

پرسش نخست مبنای محوری پرونده مطرح شده در این مقاله را تشکیل می‌دهد؛ خواهان از خوانده بابت مسئولیت ناشی از استیفا طلبی داشته است، با تأخیر خوانده در پرداخت دین، خواهان صدور حکم برای پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را خواستار می‌شود. در نگاه نخست، می‌باید به نفع خواهان رای داد؛ چه بی‌بهره کردن زیان‌دیده از مطالبه زیان دیرکرد با روح حقوق مسئولیت مدنی مبنی بر حمایت از زیان‌دیده و نیز اصل جبران کامل خسارات ناسازگار است. با این حال، هر دو دادگاه نخستین و تجدیدنظر این ادعا را نپذیرفتند. به باور این دو دادگاه، خسارت تأخیر تأدیه تنها مخصوص دیون ناشی از قرارداد بوده، دیون ناشی از ضمان قهری از این امتیاز بی‌بهره‌اند. این باور از این نظر قابل تأیید است که خسارت تأخیر تأدیه تنها به دیونی تعلق می‌گیرد که وجه رایج باشد؛ درحالی که دین مسئول در دین ناشی از ضمان قهری، نه پرداخت مبلغی پول، بلکه در وهله نخست جبران عینی زیان است. افزون بر این، در این دیون هنوز اندازه دین مشخص نیست، پس چگونه می‌توان از بدهکار انتظار داشت که به محض مطالبه از سوی طلبکار، آن را پرداخت کند؟

به هر روی در این مقاله، نخست شرح مختصری از پرونده ارائه شده است، سپس دلایل هر دو دیدگاه مبنی بر تعلق گرفتن یا ننگرفتن زیان دیرکرد به دیون ناشی از ضمان قهری و دیدگاه میانه مطرح می‌شود، و سرانجام با بازگشت مجدد به پرونده موضوع مطالعه، مبانی و جهات تصمیمات بررسی می‌گردد.

۲. مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دین ناشی از ضمان قهری در بستر یک پرونده

شرکت الف دادخواستی به مطالبه مبلغ دویست و ده میلیون تومان بابت خرید، حمل و نصب ۸۰۰۰ کیلوگرم آهن آلات به طرفیت شرکت ب به دادگستری تقدیم می‌کند. در شرح دادخواست آمده است: «به موجب قراردادهای خرید شماره ... و ... متعهد به خرید و حمل تجهیزاتی بوده است لکن در اثنای پروژه و افزون بر قرارداد فوق، مقدار هشت هزار کیلوگرم آهن آلات نیز توسط این شرکت به کارگاه خوانده وارد و در محل پروژه نصب گردیده است که این امر به موجب صورت وضعیت قطعی مورد تأیید کارفرما واقع شده است، با این حال، خواننده از پرداخت وجه آن‌ها خودداری می‌نماید». این دادخواست به شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران ارجاع می‌شود. پس از استماع دفاعیات خواننده، دادگاه نیز موضوع را به کارشناس ارجاع داده، شخص اخیر تحویل آهن آلات از سوی خواهان به خواننده را تأیید می‌کند. سرانجام، دادگاه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ در دادنامه شماره ۱۴۷۲ به استناد نظریه کارشناس و با ارجاع به مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م. حکم به محکومیت خواننده به پرداخت دویست و ده میلیون تومان صادر می‌کند. این دادنامه طی حکم شماره ۱۰۰۰ شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ تأیید می‌شود.

با این حال، ماجرا اینجا پایان نمی‌یابد؛ خواهان اگرچه از رای به دست آمده خشنود بود، اما به این اندازه قناعت نمی‌کند و در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۶ دادخواست دیگری به خواسته «الزام خواننده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه محکوم به از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ لغایت اجرای حکم» به دادگستری می‌دهد. در شرح دادخواست نیز می‌نویسد: «از آنجا که مبلغ محکوم به به موجب صورت جلسه تحویل می‌باید در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ پرداخت می‌شد و چنین اقدامی صورت نگرفته، صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را خواهانم». خواننده دعوا این بار مصمم‌تر و آماده‌تر برای دفاع ظاهر می‌شود، چنان‌که در لایحه دفاعیه وی از جمله می‌خوانیم: «توجیه خواهان برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، حکم دادگاه بدوی بوده که بر اساس آن خواننده به پرداخت وجه از حیث الزامات خارج از قرارداد و از باب استیفا محکوم شده، از آنجا که ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. تعلق خسارت تأخیر تأدیه منحصر به دیون قراردادی و از نوع وجه رایج و دارای سررسید معین می‌باشد که رسماً مطالبه شده باشد لذا شامل دیون ناشی از ضمان قهری که اولاً، دارای منشأ غیرقراردادی هستند و ثانیاً، تا پیش از صدور قطعیت حکم دادگاه فاقد سررسید می‌باشد ثالثاً، قاعده اولیه در جبران آنها از طریق پرداخت مثل و اعاده وضعیت صورت می‌گیرد و رابعاً تا پیش از تعیین میزان چنین خسارتی و صدور حکم اصولاً موجبی برای اشتغال ذمه وجود ندارد، لذا تأخیر در ایفای آن پیش از صدور حکم مشمول خسارت تأخیر تأدیه نمی‌گردد».

دادگاه نیز در راستای دفاع خوانده گام برمی‌دارد؛ چنان‌که در دادنامه شماره ۱۱۱ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰ می‌نویسد: «مقررات ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناظر به دیون قراردادی و از نوع وجه رایج و دارای سررسید معین است و مشمول [شامل] دیون ناشی از ضمان قهری که فاقد منشأ قراردادی است، نمی‌گردد ... از آنجا که خوانده دعوا به موجب رای شماره ۴۷۲ به تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ به موجب ضمان قهری از باب استیفا مستنداً به مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م. محکوم به پرداخت شده، محق به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نمی‌باشد...» به این ترتیب، حکم به بی‌حقی خواهان برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه صادر می‌شود.

با تجدیدنظرخواهی، شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۱۱۱ به تاریخ ۱۳۹۲/۲/۷ رای دادگاه نخستین را تأیید و در مقام بیان استدلال می‌نویسد: «ماده ۵۲۲ ناظر به مواردی می‌باشد که موضوع خواسته از نوع دین و وجه رایج می‌باشد و شامل مواردی که با کارشناسی مبلغ تعیین می‌گردد، نمی‌شود فلذا به جهت اینکه در زمان مطالبه از ۱۳۸۸/۱/۱ لغایت ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ میزان دین مشخص نبوده است لهذا مطالبه خسارت تأخیر تأدیه فاقد وجهت قانونی بوده... لیکن در مورد تجدیدنظرخواهی نسبت به مازاد بر تاریخ مذکور از تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ لغایت تاریخ وصول محکوم به موضوع دادنامه شماره ۱۰۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر استان تهران مخالف قانون بوده و مستوجب نقض می‌باشد؛ زیرا که با اصدار حکم بر محکومیت تجدیدنظرخوانده به موجب دادنامه شماره ۱۴۷۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ در تاریخ فوق میزان دین مشخص گردیده و ذمه وی در قبال مبلغ مذکور مشغول شده است و رای مذکور عیناً از ناحیه دادگاه تجدیدنظر قطعیت یافته است فلذا تا زمان دریافت محکوم به موضوع دادنامه شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر مشارالیه مستحق دریافت خسارت تأخیر بر مبنای نرخ شاخص می‌باشد.»

به این ترتیب، اگرچه دادگاه نخستین، خواهان را به‌طور کلی مستحق زیان دیرکرد نمی‌داند، دادگاه تجدیدنظر معیار دیگری را بر تحلیل ماجرا می‌افزاید؛ تاریخ صدور حکم دادگاه نخستین مبنی بر احراز شرایط مسئولیت مدنی. به باور این دادگاه، از تاریخ یادشده، دین بر ذمه عامل زیان مستقر شده است، پس می‌توان از این تاریخ به بعد زیان دیرکرد را خواستار شد. این تفکیک، جالب توجه و نشان‌دهنده دقت نظر دادگاه تجدیدنظر است، اما هنوز یک پرسش باقی است: چرا تاریخ صدور حکم دادگاه نخستین، ملاک قرار گرفته است؟ این پرسش از این رو طرح می‌شود که حکم دادگاه نخستین هنوز قطعیت نیافته است.

۳. بیان دیدگاه‌ها درباره امکان مطالبه زیان دیرکرد پرداخت

برخی معتقدند که زیان دیرکرد به این دیون نیز تعلق می‌گیرد و گروهی دیگر مطالبه این زیان را ناروا می‌دانند. در میانه این دو دیدگاه، می‌توان بر این باور بود که به دیون ناشی از مسئولیت مدنی نیز زیان دیرکرد تعلق می‌گیرد، با این حال، مبدأ محاسبه زیان دیرکرد، نه از تاریخ وقوع زیان که از تاریخ صدور حکم دادگاهی است که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را احراز کرده است.

۳. ۱. دیدگاه تأییدکننده امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از ضمان قهری

در طرفداری از امکان مطالبه زیان دیرکرد از دیون ناشی از ضمان قهری، می‌توان گفت که منطقی برای تمایز میان دیون بر اساس اسباب آن وجود ندارد. دین، دین است و تفاوتی میان دین ناشی از اسباب قراردادی یا خارج از قرارداد نیست؛ چراکه هر دو از کاهش ارزش پول آسیب می‌بینند. بنابراین، همان‌گونه که می‌باید دیون قراردادی بهره‌مند از خسارت تأخیر تأدیه باشند، دیون خارج از قرارداد نیز چنین هستند. برای تقویت این استدلال، می‌توان به اطلاق واژه دین در ماده ۵۲۲ نیز استناد کرد (شمس، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷). افزون بر این، طلبکاران در ضمان قهری، اگر نگوئیم بیشتر، دست کم به اندازه طلبکاران قراردادی شایستگی حمایت دارند، پس چگونه می‌توان آن‌ها را از امتیاز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بی‌بهره ساخت؟ به‌ویژه آنکه حمایت از زیان‌دیدگان به‌عنوان هدف اصلی حقوق مسئولیت مدنی طرح شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

مقایسه قانون آیین دادرسی مدنی کنونی با قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ش نیز می‌تواند به یاری این دیدگاه بیاید؛ توضیح آنکه بر اساس ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ش، «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم‌به در سال است...». درست است که عبارت «وجه نقد» مطلق است و می‌تواند دیون ناشی از ضمان قهری را نیز دربر گیرد، اما ادامه ماده مقصود قانون‌گذار را می‌تواند روشن‌تر بیان کند، چنان‌که در دنباله ماده آمده است: «اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد». به این ترتیب، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که باید وجه نقد از معامله ایجاد شود، حال فرقی نمی‌کند که این معامله، معامله با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد، اما حتماً باید دین ناشی از معامله باشد. با این حال، در قانون جدید چنین قیدی دیده نمی‌شود. در واقع، بر اساس ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده»، می‌توان زیان

دیرکرد گرفت؛ پس همین اندازه که بتوان دین را محقق دانست، صرف نظر از منشأ آن، اجرای ماده یادشده میسر خواهد بود.

۳. ۲. دیدگاه تاییدکننده نبود امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دین ناشی از ضمان قهری

درحالی که باوجود لزوم حمایت از زیان‌دیدگان، محروم کردن آنها از مطالبه زیان دیرکرد روا نیست، تفسیر ظاهری ماده ۵۲۲ و شرایط ویژه‌ای که برای مطالبه زیان دیرکرد در آن مقرر شده است، پذیرش مطالبه زیان دیرکرد از دیون ناشی از ضمان قهری را دشوار می‌کند. درواقع، از یک‌سو، مبنای پذیرفته‌شده برای مطالبه زیان دیرکرد و از دیگر سو، شرایط ویژه‌ای که برای «دین» در ماده ۵۲۲ بیان شده، مانع مطالبه زیان دیرکرد از دین ناشی از ضمان قهری است. استثنایی بودن نهاد زیان دیرکرد را نیز باید به این دلایل افزود. به هر روی، دلایل این دیدگاه را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

در مقام بیان نخستین دلیل می‌توان گفت که شرایط ویژه دین در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. محقق نشده است؛ توضیح اینکه ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ش، خسارت تأخیر تأدیه را «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است...»، قابل مطالبه دانسته است. در نخستین جمله ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. می‌خوانیم: «در دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده...»؛ به این ترتیب، صرف نظر از اطلاق واژه دین در ماده یادشده، دینی می‌تواند مشمول ماده ۵۲۲ قرار گیرد که از نوع وجه رایج باشد. اینک پرسش این است که آیا دیون ناشی از ضمان قهری «از نوع وجه رایج» هستند؟ در آغاز امر پاسخ مثبت به این پرسش متبادر می‌شود، حال آنکه به‌ظاهر این امر نباید دل بست. درواقع، موضوع نخست دین مسئول در دیون ناشی از ضمان قهری، نه پرداخت مبلغی پول که جبران عینی زیان است^۱. به بیان دیگر، تعهد نخستین عامل زیان، پرداخت مثل حق ازدست رفته است. حال اگر پرداخت مثل شدنی نباشد، مکلف به پرداخت قیمت خواهد شد؛ چنان‌که در ماده ۳۲۹ ق.م. می‌خوانیم: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد، باید از عهده قیمت

۱. شعبه ۲۰۷ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۱۰۱۶ به تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۹ حکم به محکومیت یک پزشک به دیه بیمار و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست تا تاریخ صدور حکم می‌دهد. از این رای، توسط دادباخته تجدیدنظر خواهی می‌شود. شعبه پانزده دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۶۹۵ به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳۱ چنین می‌نویسد: «... رای دادگاه نخستین در صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مواجه با اشکال است؛ زیرا در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. در دیون مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ممکن خواهد بود، ولی در خصوص مورد، دین نیست و صرفاً ادعای خسارت به‌واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی می‌باشد. بنابراین رای دادگاه نخستین در مورد خسارت تأخیر تأدیه نقض می‌شود...» (به نقل از محمدرضا زندی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳).

برآید». به این ترتیب، تعهد عامل زیان را نمی‌توان از نوع وجه رایج دانست. وانگهی یکی از شروط ماده ۵۲۲ این است که با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون از پرداخت خودداری کند. بنابراین، تا مدیون از ادای دین امتناع نکند، زیان دیرکرد قابل مطالبه نیست. اینک پرسش این است که در دیون ناشی از ضمان قهری که هنوز اندازه دین مشخص نیست، چگونه می‌توان از بدهکار انتظار داشت که به محض مطالبه از سوی طلبکار، بدهی‌اش را پرداخت کند؟ در واقع، تا لحظه صدور حکم قطعی از سوی دادگاه، هنوز اندازه دین مسئول مشخص نیست. به همین دلیل، عامل زیان حتی اگر بخواهد دین خویش را بپردازد، از آنجا که اندازه آن مشخص نیست، پرداخت آن نیز میسر نخواهد بود.^۱ از سوی دیگر، ماده ۵۲۲ تنها درباره دیونی است که دارای سررسید هستند. این ویژگی ممکن است در نگاه نخست از ظاهر ماده یادشده برداشت نشود، اما دقت بیشتر ما را به همین نتیجه می‌رساند؛ چنان‌که در بخشی از ماده پیش‌گفته می‌خوانیم: «... در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت...». پس می‌توان این گونه برداشت کرد که اگر دینی فاقد سررسید بود، نمی‌تواند مشمول این ماده باشد. رویه قضایی نیز به همین سمت و سو در حرکت است؛ چنان‌که برای نمونه در دادنامه شماره ۱۳۳۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۰ می‌خوانیم: «... نظر به اینکه دین موضوع دعوا دینی با تاریخ سررسید معین نبوده تا مقررات ماده ۵۲۲ شامل آن شود...» (به نقل از زندگی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۹). بر همین اساس و با توجه به اینکه دیون ناشی از ضمان قهری دارای سررسید معین نیستند، نمی‌توانند مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. باشند. همچنین، دین در معنای خاص خود تعهد ناشی از قرارداد قرض است، چنان‌که در دادنامه شماره ۲۹۳ صادره از شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ می‌خوانیم: «به اعتقاد این دادگاه، خسارت تأخیر تأدیه ناظر به دین به معنای اخص آن قرض می‌باشد و شامل سایر ضمانات قهری که سبب ایجاد دین به معنی اعم آن می‌گردد، نمی‌شود و بدهکاری تجدیدنظرخواه ناشی از استقراض نبوده است...» (به نقل از زندگی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۹). همچنین، در دادنامه شماره ۶۴۱ صادره از شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۹ می‌خوانیم: «حسب مقررات ماده ۵۲۲ خسارت تأخیر تأدیه

۱. در قضیه دیگری دادگاه نخستین و تجدیدنظر حتی این استدلال را در مورد دین قراردادی که میزان آن در زمان تقدیم دادخواست معین نیست، به‌کار گرفته‌اند: شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دعوی مطالبه ناشی از انجام کار وفق قرارداد در مورد خسارت تأخیر تأدیه «به لحاظ معین نبودن میزان دین در زمان تقدیم دادخواست» حکم به رد صادر کرده بود (دادنامه شماره ۸۹۰۰۲۰۸-۱۳۸۹/۳/۱۹) و شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان نیز در پی تجدیدنظرخواهی چنین حکم داد: تجدیدنظرخواهی وارد نیست «زیرا با توجه به وجود اختلاف ناشی از قرارداد اصولاً میزان طلب تجدیدنظرخواه تا قبل از اظهار نظر کارشناسان معین نبوده فلذا مورد از شمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خارج می‌باشد» (دادنامه شماره ۱۳۹۰/۳/۱۶-۲۸۳).

ناظر بر دین است و در این پرونده، مطالبه خسارات وارد بر اتومبیل از نوع دین نبوده و منصرف از آن است» (به نقل از زندی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۵). با این حال، حقیقت این است که این تفسیر لفظی نمی‌تواند چندان مقبول باشد. ماده ۵۲۲ واژه دین را به کار برده و این واژه همه تعهدات را صرف نظر از ریشه و سبب ایجاد آن دربر می‌گیرد. بنابراین، دیون ناشی از مسئولیت مدنی نیز دین شمرده شده، از این لحاظ مشمول ماده یادشده می‌باشد. اینجاست که باید به مبنای خسارت تأخیر تأدیه توجه کرد.

مبنای ماده ۵۲۲ جبران زیان نیست؛ چه اگر چنین بود، خسارت تأخیر تأدیه در هر صورت باید تعلق می‌گرفت، حتی اگر بدهکار توان پرداخت نداشت؛ چراکه در جبران زیان، آنچه مهم است جبران زیان زیان‌دیده است، صرف نظر از اینکه عامل زیان توان پرداخت زیان را دارد یا خیر. برای همین، به گمان نگارندگان، مبنای ماده یادشده بیش از آنکه جبران ضرر باشد، مسئول دانستن بدهکاری است که با وجود توان مالی به تعهد خویش به‌هنگام عمل نکرده است. حال، پرسش این است که آیا چنین مبنایی درباره دیونی که مدیون هنوز اندازه قطعی دین را نمی‌داند، قابل اعمال است؟^۱ جدای از این، وقتی هنوز اندازه دین مشخص نیست، چگونه می‌توان تمکن داشتن یا نداشتن مدیون را احراز کرد؟ همچنین اگر خسارت تأخیر تأدیه را نسبت به دین ناشی از ضمان قهری قابل مطالبه بدانیم، در واقع، مطالبه خسارت از خسارت را روا دانسته‌ایم؛ نکته‌ای که به نظر نمی‌رسد در نظام حقوقی ما مجاز باشد. هرچند در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ش نشانه‌ای از ممنوعیت مطالبه خسارت از خسارت دیده نمی‌شود، از ماده ۵۲۰ همین قانون می‌توان ممنوعیت یادشده را برداشت کرد؛ چنانکه در آن می‌خوانیم: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته

۱. آقای ب.ب. به طرفیت شرکت س. دادخواستی به خواسته مطالبه خسارت وارده به اراضی خود ارائه می‌دهد. شعبه هشتم دادگاه عمومی شهرستان مشهد در دادنامه شماره ۶۵۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۷ مندرج در کلاس پرونده ۸۷۰۰۵۱ با آنکه اصل خواسته خواهان را پذیرفته و خوانده را محکوم به پرداخت خسارت کرده است، اما خسارت تأخیر تأدیه را نمی‌پذیرد. در مقام بیان استدلال نیز می‌نویسد: «نسبت به خسارت تأخیر تأدیه نیز خوانده خود را مدیون نمی‌دانسته که با مطالبه خواهان‌ها استنکاف وی محقق شود، بنابراین، شرایط ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. فراهم نیست...».

۲. در دادنامه شماره ۱۲۴۴ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۳۰ صادره از یکی از دادگاه‌های عمومی حقوقی تهران خوانده به پرداخت اجرت‌المثل و خسارت تأخیر تأدیه محکوم شد. با تجدیدنظرخواهی دادباخته، دادنامه شماره ۴۰۲ به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۶ از سوی یکی از شعبات دادگاه تجدیدنظر استان تهران به این شرح صادر می‌شود: «در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.ب. نسبت به مفاد دادنامه شماره ۱۲۴۴ مورخ ۸۳/۷/۳۰ صادره از شعبه... دادگاه عمومی تهران به طرفیت آقای ک.ع چون به شرح ماده ۵۲۲ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی خسارت تأخیر تأدیه از دیونی که توسط بستانکار مطالبه شده قابل اظهار نظر قضایی است و در مانحن‌فیه تجدیدنظرخوانده اجرت‌المثل (خسارت) ملک را مطالبه کرده است که علی‌القاعده مطالبه خسارت از خسارت وجه قانونی ندارد، در این قسمت مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون مرقوم دادنامه معترض‌عنه فسخ و حکم بر بطلان دعوی صادر و اعلام می‌شود...».

بوده است. در غیر این صورت، دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد^۱. پس خسارت از خسارت، زیان بلاواسطه نیست و این درحالی است که بر اساس ماده یادشده، تنها زیانهای بلاواسطه قابل مطالبه‌اند. به این ترتیب، همچنان در نظام حقوقی ما، خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶).

حقیقت این است که زیان دیرکرد را نمی‌توان خسارت به معنای واقعی کلمه دانست. توضیح آنکه به موجب بند ب ماده نخست قانون پولی و بانکی «هر ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۵۵۰۸۰۱۰) گرم طلای خالص است». اگرچه تغییر این برابری باید با پیشنهاد بانک مرکزی و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید هیئت وزیران و تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلس شورای اسلامی انجام گیرد (بند ج همان ماده)، اما تحولات اقتصادی جامعه نیز می‌تواند سبب برهم خوردن برابری یادشده باشد؛ در نتیجه، از ارزش پول کاسته شده، به ارزش کالا افزوده می‌شود^۲. برای همین، اگر الف ۱۰۰۰ ریال به ب بدهکار باشد و مدت پنج سال از سررسید دین بگذرد، ارزش ۱۰۰۰ ریال در زمانی که پنج سال از سررسید دین گذشته با ارزش آن در تاریخ سررسید دین برابری نمی‌کند. بنابراین، بدهکار باید مبلغی را به طلبکار خویش بدهد که معادل ۱۰۰۰ ریال در تاریخ سررسید دین باشد؛ حتی اگر این مبلغ در ظاهر بیش از ۱۰۰۰ ریال باشد. به این ترتیب، جبران تغییر ارزش اسکناس که معمولاً با کاهش آن همراه است، خسارت شمرده نمی‌شود، بلکه صرفاً ایفای اصل دین است. با همین دیدگاه، زیان دیرکرد از دیون ضمان قهری نیز باید قابل مطالبه باشد. تصور کنید که الف به زیان ب، ۱۰۰۰ ریال بدون دلیل دارا شده است. حال اگر پس از گذشت چند سال بخواهد مبلغ دارا شده‌اش را بازگرداند، ۱۰۰۰ ریال در تاریخ استرداد، همان ۱۰۰۰ ریال در زمان دارا شدن نیست. او باید مبلغی بر ۱۰۰۰ ریال بیفزاید، اما این مبلغ اضافه‌شده، خسارت نیست، بلکه ایفای اصل دین است، زیرا آنچه مهم است، ارزش اقتصادی پول است، نه مبلغ ظاهری آن.

استثنایی بودن نهاد زیان دیرکرد را نیز می‌توان دستاویز دیگری برای تأیید ناممکن بودن مطالبه دانست. خسارت تأخیر تأدیه احکام خاصی دارد که با قواعد عمومی جبران خسارت تفاوت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۶۴)؛ بنابراین، ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. را باید به مثابه حکمی استثنایی به صورت مضیق تفسیر کرد. این باور به‌ویژه با توجه به مبنای یادشده (یعنی مجازات مدنی

۱. از ملاک ماده ۵۱۹ نیز می‌توان به همین نتیجه رسید. براساس این ماده، «خسارات دادرسی عبارت است از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی».

۲. «پول عبارت از ارزش اقتصادی و مبادله‌ای است که در واحد اسکناس انعکاس دارد. بنابراین، بالا رفتن شاخص هزینه زندگی... چیزی جز کاهش ارزش اسکناس... نیست» (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱).

تلقی کردن این نهاد)، قابل تأیید است. ظاهر قانون آیین دادرسی مدنی نیز در راستای همین باور است؛ چنان‌که در بخشی از تبصره دو ماده ۵۱۵ این قانون می‌خوانیم: «... خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی، قابل مطالبه می‌باشد». در راستای همین روش تفسیر، باید به قدر متیقن اکتفا کرد. در نتیجه، گسترش نیافتن این ماده به دیون ناشی از ضمان قهری منطقی‌تر است.

۳.۳ دیدگاه میانه داشتن یا نداشتن امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دیون ناشی از ضمان قهری

برای اتخاذ دیدگاهی میانه بین دو دیدگاه یادشده، باید از رویدادی به نام «تسجیل زیان» یاد کرد؛ رویدادی که با آن اندازه زیان مشخص می‌شود. توضیح اینکه در فرایند دادرسی در سه مصداق، اندازه زیان تعیین می‌شود: نخستین مصداق، تعیین اندازه زیان از سوی کارشناس است، پس از آن نیز اندازه زیان با حکم دادگاه نخستین و سپس حکم دادگاه تجدیدنظر مشخص می‌شود. اینک پرسش این است که از کدام مقطع می‌توان زیان دیرکرد را قابل مطالبه دانست؟ نخستین احتمال، تعیین اندازه زیان با نظر کارشناس است^۱، اما این احتمال را باید از ذهن زدود؛ نظر کارشناس قطعیت ندارد و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن به صلاحدید دادگاه و تطابق آن با «اوضاع و احوال محقق قضیه» وابسته است (ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م.). در نتیجه، با نظر کارشناس نمی‌توان هنوز با قطعیت درباره اندازه زیان داورری کرد، پس همچنان اختلاف درباره زیان به قوت خود باقی است. بر همین اساس، زمان اعلام نظر کارشناسی نمی‌تواند ملاک مناسبی برای آغاز زیان دیرکرد باشد. صدور حکم دادگاه نخستین نیز نمی‌تواند ملاک قرار گیرد؛ چه با توجه به قطعیت نداشتن رای و احتمال نقض آن در دادگاه تجدیدنظر، اختلاف درباره اندازه زیان باقی است، اما اگر اندازه زیان با حکم قطعی دادگاه اثبات شود، نباید همچنان بر دیدگاه اخیر پای فشرود. در واقع، با حکم دادگاه، دین ناشی از مسئولیت مدنی شرایط ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. را خواهد یافت؛ با این توضیح که اگرچه تعهد اصلی عامل زیان، پرداخت مثل حق ازدست رفته است، اما دادگاه در حکم خویش ناممکن بودن ارائه مثل حق را احراز کرده، عامل زیان را به پرداخت قیمت آن محکوم می‌کند. پس، از لحظه صدور حکم قطعی می‌توان گفت که تعهد عامل زیان از پرداخت مثل، به پرداخت قیمت تبدیل خواهد شد. بنابراین، وی به پرداخت وجه رایج مدیون شناخته می‌شود. افزون بر این، با توجه به لزوم اجرای احکام دادگاه‌ها، سررسید آن نیز همان تاریخ قطعیت رای خواهد بود. در نتیجه این

۱. شعبه سوم دادگاه عمومی مرودشت در دادنامه شماره ۱۰۶ به تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۵ به کلاسه پرونده ۵۳۵ حکم به محکومیت عامل زیان به پرداخت مبلغی پول بابت زیان وارده به زیان‌دیده می‌دهد. در این رای، عامل زیان، به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان اعلام کارشناس لغایت زمان پرداخت محکوم می‌شود.

اوصاف و به‌ویژه با توجه به مشخص شدن اصل دین، احراز تمکن مدیون و امتناع وی نیز آسان‌تر خواهد بود. در همین راستا، در نظریه شماره ۷/۹۲/۲۵۳۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه می‌خوانیم:

«به نظر می‌رسد خسارت موضوع استعلام، ضرر و زیان ناشی از مسئولیت مدنی یا ضمان قهری می‌باشد که با این وصف خواهان نمی‌تواند ابتدا به ساکن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناشی از ضرر و زیان فوق را [مطالبه] بکند؛ زیرا خسارت مزبور امری جدای از دین موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. مطالبه خسارت تأخیر تأدیه موضوع این ماده منوط به این است که دین موضوع دعوا از نوع دین مسلم و وجه رایج دارای سررسید باشد و تحت شرایط مندرج در آن ماده (مطالبه دین، تمکن مدیون و احراز امتناع) قابل طرح است. ولی موضوع استعلام مطالبه خسارت وارد شده به اموال خواهان (ملک یا خودرو یا ...) می‌باشد و شرایط موجود در ماده یادشده را ندارد. بنابراین، در فرض سؤال خواهان نمی‌تواند بدو و در ضمن دادخواست مطالبه اصل خسارت، دعوای خسارت تأخیر تأدیه را مطرح کند. ولی پس از صدور حکم و قطعیت آن (مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت اصل خسارت) و امتناع محکوم‌علیه از اجرای حکم، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ قطعیت حکم وفق مقررات همان ماده فاقد اشکال است.»

با این حال، هنوز تردید وجود دارد؛ آیا نمی‌توان گفت که با حکم دادگاه کشف می‌شود که عامل زیان از لحظه ورود زیان، مدیون به پرداخت مبلغی به زیان‌دیده بوده است؟ در این تردید، حکم دادگاه که جنبه اعلامی خواهد داشت، موجب می‌شود این باور را نتوان به‌طور کلی رد کرد. باری، حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد از این نظر که اصل حقانیت زیان‌دیده برای مطالبه زیان را از لحظه ورود ضرر اعلام می‌کند، اما تعیین میزان دقیق حق و شیوه آن امری است که با حکم دادگاه مسجل می‌شود؛ پس چگونه می‌توان حکم دادگاه را در این باره اعلامی دانست؟ بنابراین باید نظر استاد را تکرار کرد که مرقوم فرموده‌اند: «رای دادگاه از جهت شناخت طلب اعلامی و از نظر ارزیابی و انتخاب شیوه جبران تأسیسی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۵۳۳). به این ترتیب، با حکم دادگاه، میزان بدهی عامل زیان مشخص می‌شود. پس از این تاریخ می‌توان بدهی را مشمول ماده ۵۲۲ دانست.

۴. بررسی جهات و مبانی پرونده مورد مطالعه با عنایت به تحلیل پیش‌گفته

آنچه در این نوشتار مفروض تلقی شده این بوده که استحقاق خواهان برای مطالبه از خوانده، «استیفای» است. در واقع اگرچه میان متداعیین قراردادی وجود داشته، اما مطالبه مبلغ دویست و ده میلیون تومان بابت خرید، حمل و نصب تجهیزاتی بوده که بیرون از قرارداد بوده است.

شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران نیز در دادنامه شماره ۱۴۷۲ با استناد به مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م. که مربوط به بحث استیفا هستند، حکم به محکومیت خوانده صادر می‌کند.^۱ به این ترتیب، به باور دادگاه، سبب استحقاق خواهان، استیفا است که از مصادیق مسئولیت مدنی به معنای عام می‌باشد. اگرچه این باور، مفروض گرفته شد، اما کمی تأمل و تردید در آن رواست. در واقع، درست است که تجهیزات ادعاشده در دادخواست، جزء موضوع قرارداد فی مابین طرفین نبوده است، اما با اندکی روشن بینی می‌توان تحویل این تجهیزات از سوی خواهان و پذیرش آن از سوی خوانده را توافقی برای افزایش موضوع قرارداد دانست. اگر این نظر پذیرفته شود، مستند حقانیت خواهان در این پرونده قرارداد خواهد بود، نه استیفا.

دادگاه نخستین، سبب دین خوانده را استیفا می‌داند، از دیگر سو، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دیون ناشی از مسئولیت مدنی را ممکن نمی‌داند؛ از این رو، خواهان را مستحق مطالبه خسارت تأدیه معرفی نمی‌کند. دادگاه تجدیدنظر نیز با دادگاه نخستین هم‌داستان است، اما در یک نکته با آن اختلاف نظر دارد. به باور این دادگاه، دین خوانده به خواهان از تاریخ صدور حکم نخستین، یعنی ۱۳۸۹/۱۲/۲۳، مسجل شده، بنابراین، مکلف است تا نسبت به پرداخت دین خویش اقدام کند؛ حال که اقدامی نکرده است، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ پیش گفته تا تاریخ وصول محکوم به به وی تعلق می‌گیرد. چنان‌که در بخشی از رای آمده است: «با اصدار حکم بر محکومیت تجدیدنظر خوانده به موجب دادنامه شماره ۱۴۷۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ در تاریخ فوق میزان دین مشخص گردیده و ذمه وی در قبال مبلغ مذکور مشغول شده است و رای مذکور عیناً از ناحیه دادگاه تجدیدنظر قطعیت یافته است فلذا تا زمان دریافت محکوم به موضوع دادنامه شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر مشارالیه مستحق دریافت خسارت تأخیر بر مبنای نرخ شاخص می‌باشد». دقت نظر این دادگاه درخور توجه است، چراکه یکی از دلایل اصلی در تعلق نگرفتن خسارت تأخیر تأدیه به دیون ناشی از ضمان قهری، عدم آگاهی به اندازه آن بوده، و حال که با کمک حکم دادگاه میزان دین مسجل شده است، تردید در پذیرش خسارت تأخیر تأدیه منطقی نیست. با این حال، یک نکته را نباید از یاد برد، دادگاه تجدیدنظر تاریخ صدور رای دادگاه نخستین را زمان قطعیت یافتن دین خوانده می‌داند؛ در حالی که با توجه به امکان اعتراض به رای، زمان قطعیت یافتن تسجیل دین، تاریخ صدور رای دادگاه تجدیدنظر است؛ پس این تاریخ می‌بایست ملاک قرار می‌گرفت.

۱. بر اساس ماده ۳۳۶ قانون مدنی: «هرگاه برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.»

۵. نتیجه

آیا از دین ناشی از مسئولیت مدنی می‌توان زیان دیرکرد را خواست؟ در طرفداری از امکان مطالبه زیان دیرکرد، می‌توان گفت که منطقی برای تمایز میان دیون بر اساس اسباب آن وجود ندارد؛ دین است و میان آنکه ناشی از اسباب قراردادی یا خارج از قرارداد باشد، تفاوتی نیست، زیرا هر دو از کاهش ارزش پول آسیب می‌بینند.

در برابر، می‌توان گفت که یکی از شروط ماده ۵۲۲ این است که با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون از پرداخت خودداری کند. بنابراین، تا مدیون از ادای دین امتناع نکند، زیان دیرکرد قابل مطالبه نیست. اینک پرسش این است که در دیون ناشی از ضمان قهری که هنوز اندازه دین مشخص نیست، چگونه می‌توان از بدهکار انتظار داشت که به محض مطالبه از سوی طلبکار، بدهی‌اش را پرداخت کند؟ درواقع، تا لحظه صدور حکم قطعی از سوی دادگاه، هنوز اندازه دین مسئول مشخص نیست.

برای اتخاذ دیدگاهی میانه بین دو دیدگاه یادشده، باید از رویدادی به نام «تسجیل زیان» یاد کرد؛ رویدادی که با آن اندازه زیان مشخص می‌شود. توضیح آنکه در فرایند دادرسی، اندازه زیان در سه مصداق تعیین می‌شود. نخستین مصداق، تعیین اندازه زیان از سوی کارشناس است، پس از آن نیز اندازه زیان با حکم دادگاه نخستین و سپس حکم دادگاه تجدیدنظر مشخص می‌شود. از میان این احتمالات، به نظر می‌رسد گزینه‌های نخست و دوم نتوانند پاسخ مطلوب باشند، زیرا هیچ‌یک قطعیت ندارند؛ اعتبار اولی منوط به تشخیص و صلاحدید دادرسی است و دومی، قابل اعتراض در مرجع تجدیدنظر. با نفی این دو گزینه، به نظر می‌رسد بتوان ملاک زمان تعلق زیان دیرکرد را لحظه صدور حکم قطعی دانست؛ چراکه از این لحظه، تعهد عامل زیان از پرداخت مثل، به پرداخت قیمت تبدیل خواهد شد. پس وی به پرداخت وجه رایج مدیون شناخته می‌شود. افزون بر این، با توجه به لزوم اجرای احکام دادگاه‌ها، سررسید آن نیز همان تاریخ قطعیت رای خواهد بود. در نتیجه این اوصاف و به‌ویژه با توجه به مشخص شدن اصل دین، احراز تمکن مدیون و امتناع وی نیز آسان‌تر خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. زندی، محمدرضا (گردآورنده)، (۱۳۹۱). رویه قضایی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر استان تهران. جنگل، چاپ ۱، جلد ۱۰.
۲. شمس، عبدالله (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی. تهران، دراک، چاپ ۲، جلد ۳.
۳. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). آثار قراردادها و تعهدات. تهران، مجد، چاپ ۱.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری. تهران، دانشگاه تهران، چاپ ۳، جلد ۱.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. شرکت سهامی انتشار، چاپ ۴، جلد ۴.